

صراط مستقیم تواند گذشت و بهشت باقی که موطن پاکانست
 تواند رسید و هر که درین نشاند ازین صراط مستقیم انحراف بود
 هر آخرت بآن صراط تواند گذشت و در دوزخ که جاه
 عاصیان است ماند و از دنیا غورس بقولست که ملک که
 انسان کسبی کند سبب حدوث ملک است طایفی است
 که بعد از قطع تعلق مصاحب و ملازم او باشد آن نیز افر
 و آن شده افر پس باید که انسان احتیاط نماید تا چه صاحب
 برای نویسد آنکه بدانکه وسط بدو معنی اطلاق کنند
 وسط حقیقی که نسبت او بطرفین علی السواء باشد مانند جاه
 که وسط حقیقی است میان دو شش و این همچون معتدل
 حقیقی است که اطباء و لایین برقی آن اقامت می کنند
 و دیگر وسط باضافه نسبت را اعتدالات نوعی شخصی که اطبا
 اثبات میکنند و وسطی که درین علم معتبر است از قبیل اول
 تواند بود و لهذا اشراط فضیلت نظر باشد خاص مختلف شود

یا

بلکه نظم بر وقت و حال بازاری امر فضیلتی از فضایل شخصی
 زوایل استنای است و درین مقام در مراتب است
 غیرشکی حادث شود چه هرگاه که وسط درین فن از قبل
 اعتدال نوعی و شخصی باشد مراتب از اعراضی بود بمنزله عرض
 المراج و نسبت با لغو در وصف آن بوقت وحدت مرتفع شود
 و همانا طریق رفیع آن مختار آنکه چنانکه در مراتب عرض المراج
 مرتبه است که افضل آن مراتب است و مطلب بالذات
 آن مرتبه است و دیگر مراتب بحسب بعد از آن مرتبه است
 از توب افراط و تفریط نیستند و چنانکه شخص در نوع درین
 مراتب بر حالت افضل نیستند لیکن بواسطه قری قوی
 که بآن مرتبه دارند و چون نوع و شخص محفوظ می تواند بود و نفسا
 نیز فضیلت حقیقی آن مرتبه است و باقی مراتب بحسب
 قرب بآن مرتبه در عدا و فضیلت معدوم می شود و چنانکه در
 اعتدال برنی دیگر مراتب اگر چه در حاق اعتدال نیستند